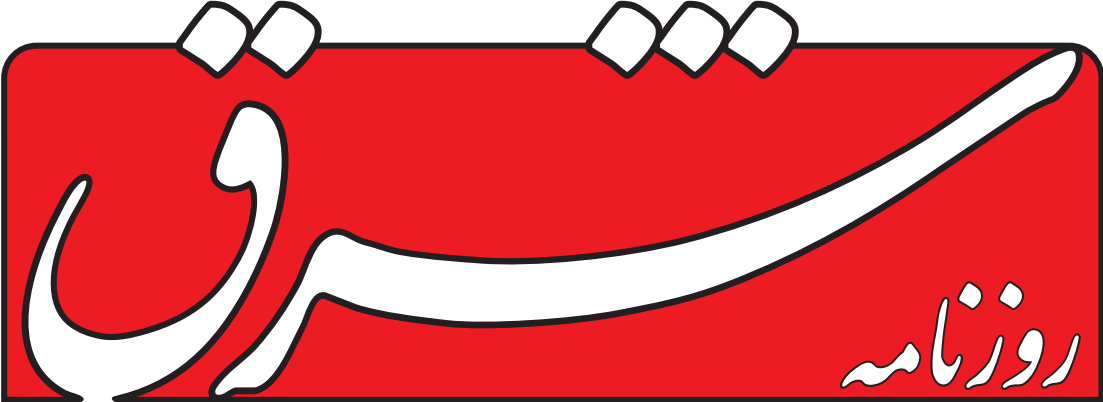


**چالش‌های رقیب رئیس جمهوری ترکیه برای پایان دادن به حکومت ۲۰ساله اردوغان**

## مأموریت دشوار قلیچدار اوغلو

پس از رقابت نزدیک رجب طیب اردوغان و کمال قلیچدار اوغلو، نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ترکیه، سرنوشت این انتخابات به روز ۲۸ ماه می و دور دوم کشیده شد و با اینکه رقابت رئیس جمهوری فعلی ترکیه و رقیب او در دور اول رای‌گیری بسیار نزدیک بود، تحلیلگران معتقدند ممکن است در دور دوم، رسیدن به نتیجه مطلوب برای کمال قلیچدار اوغلو دشوارتر از اردوغانی باشد که هم‌اکنون بر مسند قدرت نشسته است…

صفحه ۵



پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ • ۲۷ شوال ۱۴۴۴ • ۱۸ می ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۵۶ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰ تومان

**در «شرق» امروز می‌خوانید:** تأیید محکومیت قضائی سارکوزی، موزه‌ها ضامن پایداری و حال خوب، محرومیت ۴ساله ملی‌پوش تکواندوی ایران به‌دلیل دوپینگ و **یادداشت‌هایی از اردوان امیراصلانی**، مهدی افشار، سیدمحمد بهشتی

### سرمقاله

## پشت به واقعیت، تداوم کلام



**سیدمصطفی هاشمی طباطبائی**

پس از مناظره دو اقتصاددان مطرح کشور یعنی آقای دکتر غنی‌نژاد و دکتر درخشان در سیمای رسانه ملی بحث‌های مختلفی در رسانه‌ها در این وادی شد و آخرین آن مقاله‌ای از آقای هادی کحال‌زاده، پژوهشگر مرکز مطالعات دانشگاه برانداین، در روزنامه «شرق» ۲۴ اردیبهشت جاری بود که به بخشی از مناظره، با رجوع به مستندات ورود کرده بودند.

می‌گویند گذشته چراغ راه آینده است. بحث و گفت‌وگو بسیار خوب است و راهی برای تحری حقیقت و اصلاح مسیر حرکت به جز آن وجود ندارد؛ اما موضوع بحث بسیار مهم و تعیین‌کننده است. موضوع مناظره انجام‌شده تقریباً آن بود که تصمیمات گذشته آیا ملهم از اصول سوسیالیسم است یا آنچه انجام شده، بر مبنای اصول اسلام است که صد البته نتیجه‌ای از آن حاصل نشد و اگر هم نتیجه‌ای از آن حاصل می‌شد، باید پاسخ به صورت‌مسئله مطرح‌شده می‌بود که اصولاً صورت‌مسئله‌ای بیان نشد؛ یعنی با توجه به سیاست‌های گذشته، در گذر از اقتصاد به‌هم‌ریخته و نامطلوب کنونی چه راهی را باید پیشه کنیم؟ با کمال تأسف باید گفت نه‌تنها هیچ‌کدام از اقتصاددانان مذکور کلامی در این باب نگفتند و مسئله‌ای را مطرح نکردند؛ بلکه قاطبه اقتصاددانان کشور به هر دلیل از طرح مسئله اقتصاد ایران و پاسخ در شان آن درمانده‌اند.

کار ایشان شبیه به این مثال است. فرض کنید آب‌انباری در مناطق جنوب و کم‌آب کشور که معمولاً آب‌های سیلابی بهاری را ذخیره می‌کرده (و هنوز هم وجود دارد) وجود دارد و از آب آن برای تابستان‌های گرم و بی‌آب استفاده می‌شود. در این حال به صورت تصادفی یا به هر دلیل دیگر، دریچه خروج و تخلیه آب‌انبار باز است و آب به هدر می‌رود؛ ولی دو نفر از دانایان روستا بر سر این مباحثه می‌کنند که عمق آب‌انبار چه میزان است؟ آب‌انبار از آجر ساخته شده یا سنگ؟ ملات خشت‌های آن چه بوده؟ چه سالی ساخته شده و معمار آن چه کسی بوده است و نیز بحث‌های دیگر. هنوز بحث‌های آنان پایان نیافته که آب‌انبار از آب تپمی می‌شود و به قول علما آب‌انبار «سالبه به انتفاه موضوع» می‌شود و روستاییان بدون آب تلف می‌شوند. مشکل آن است که دانایان ما و به‌ویژه اقتصاددانان ما صورت‌مسئله اقتصاد ایران را درست تعریف نمی‌کنند و براساس تعریف نادرست (هرچند بسیاری اوقات تعریفی اصلاً وجود ندارد) مباحثه می‌کنند.

با امعان به مباحث اخیر اگر به صورت جامع به قانون اساسی نگاه کنیم، می‌بینیم که مجموعه‌ای مفید و درست تنظیم شده که چنانچه به همه موارد آن وفادار باشیم، اقتصاد قابل رشدی را که در آن توسعه پایدار دیده شده باشد، شاهد خواهیم بود. مجموعه اصول سوم، چهارسوم، چهاروچهارم، چهاروپنجم، چهاروششم، چهارهفتم و پنجاهم قانون اساسی نظام اقتصادی را با نگاه جامع‌الاطراف نمایان می‌کند. امروز هم اگر منتقدان اصول اقتصادی قانون اساسی بخواهند این قانون را بازنویسی کنند، نتیجه ممارست و کتابت آنان در همین حدود خواهد بود. ببینیم چه امری باعث شده که اقتصاد ما به چنین وضعی دچار شود. این وضع درست به‌منابه همان آب‌انباری است که جز یک سازه بی‌مصرف برای روستاییان از آن ارثی باقی نمی‌ماند.

در طول سال‌های مختلف پس از انقلاب موضوع «نوم‌به بعضی و تکفر به بعضی» در مواجهه با قانون اساسی نه‌تنها در موضوع اقتصاد بلکه در اکثر موارد اتفاق افتاده است. اگر از اصول قانون اساسی بحق موضوع «توسعه پایدار» را استنباط کنیم، باید گفت تقریباً همه دولت‌ها اصل «پوپولیسیسم اقتصادی» را که در قانون اساسی نیامده است، جانشین اصول قانون اساسی کرده‌اند. وقتی این اصل آویزه گوش حکمرانان باشد، دیگر موضوع دولتی‌بودن یا اقتصاد آزاد یا تعاونی به حاشیه می‌رود. اینکه بحث کنیم که آب آب‌انبار به تساوی تقسیم شود یا حسب نیاز افراد، دیگر نمی‌تواند مطرح باشد؛ چون آبی در آب‌انبار باقی نمانده است. مشغول‌شدن به این‌گونه بحث‌ها دنباله همان دعوای حیدری-نعمتی است و البته چون برخی اقتصاددانان جرئت و شهامت طرح مسئله اصلی و راه‌حل‌های واقعی اقتصاد کنونی را ندارند، برای ابراز وجود به بحث‌های کلامی بی‌حاصل می‌پردازند. اگر اقتصاددانی بخواهد اقتصاد ایران را طراحی کند، باید تصویری از بالا از اقتصاد ایران داشته باشد. اقتصاد ایران نه بر اصول بخش‌های دولتی، خصوصی یا تعاونی است؛ بلکه اقتصاد ایران را پایه زیربناهای آن است. زیربناها اعم از ثروت‌های خداداد مثل آب، خاک، نفت، گاز، جنگل، هوا و چگونگی مصرف و حفظ و نگهداری آنهاست‌که بدون لحاظ آنها طراحی و اجرای هر سیستم و روش اقتصادی آب در هاون کوبیدن است که متأسفانه اینک تصویر این زیربناها کدر و مایوس‌کننده است. حال اینکه بحث کنیم که در گذشته با آنها چه کرده‌ایم و به شفاف‌سازی چگونگی مصرف آنها بپردازیم، گو اینکه ضروری است، اما توقف در آن مهلک است. زیربناهای دیگری یعنی آنچه در کشور حاصل سازندگی‌هاست و به کپهولت و تخریب دچار شده است نیز باید مورد توجه اقتصاددانان قرار گیرد. حال اقتصاددانان بگویند با لحاظ وضع فعلی این زیربناها چه سیستم و نظام اقتصادی باید وجود داشته باشد تا زیربناها بیش‌ازاین آسیب نبینند و اثرات آن بر زندگی مردم و تأثیر آن بر آینده ایران را ترسیم کنند.

ادامه در صفحه ۴

«(شرق)» تعدد مسیرهای پیش روی برجام و افزایش ابهام روی میز طرفین را با نگاه به رابطه تهران و آژانس بررسی کرد

# دیپلماسی وقت‌کشی

گزارش تیتربک را در صفحه ۳ بخوانید



• عکس: Gettyimages

مهاجم سلیمان بیگی؛ ظاهر تحریم، روسیه را ناچار کرد که برخلاف بدهدعی‌های گذشته، برانجام قدیمی برای فعال‌کردن کریدور شمال به جنوب ایران برادر و سند احداث راه‌آهن رشت-آستارا را امضا کند؛ خط ریلی مهمی که پازل شکسته این کریدور را تکمیل می‌کند.

حالا روسیه گرفتار جنگ اوکراین ناچار شده که مسیرهای تجارت خود را از اروپا به جنوب آسیا تغییر دهد و طبیعتاً برای رساندن کالا به بازارهای جنوبی، نیازمند راه‌های جدید است. یکی از این مسیرها از کریدور شمال به جنوب ایران می‌گذرد؛ اما روس‌ها با وجود مزیتی که این کریدور برای آنها دارد، حاضر به سرمایه‌گذاری در آن نشده‌اند و تنها به وام‌دادن به ایران اکتفا کرده‌اند. روز چهارشنبه مراسم امضای سند احداث خط ریلی راهبردی رشت-آستارا با حضور رئیس‌جمهوری ایران و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری

### یادداشت

## چالش قانونی مبارزه با بی‌حجابی



**سیدعلی مجتهدزاده**

**وکیل پایه یک دادگستری**

ماجرای تعطیلی مطب یک پزشک مشهدی براساس خبر کذب ارائه‌ندان خدمات توسط او به یک بیمار چادری اتفاق کوچکی نیست که بشود به‌سادگی از کنار آن گذشت. این اتفاق حکایت از احتمال بروز خطا در مسیر سیاست مبارزه با بی‌حجابی دارد. اما تمرکز بر مورد رخ‌داده در مشهد گواه وجود اشکالات بنیادین حقوقی و اجرایی در چند زمینه است؛ ازجمله در قانون حمایت از آمران به معروف، فرایند رسیدگی به موارد تخلف و جرم ذیل این قانون و تعیین و اعمال جریمه و مجازات.

زمانی که قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در مجلس به تصویب رسید، مهم‌ترین نقد حقوقی و جامعه‌شناختی ناظر به آن به این مسئله برگشت که قانون یادشده دواثر نامطلوب خواهد داشت. اول اینکه در عمل جهت امر به معروف را معکوس خواهد کرد. یعنی امر به معروف که باید اصل آن ناظر به حکامیت و مسئولان اداره کشور باشد، ناظر به بخش‌هایی از خود مردم خواهد شد. نقد دوم نیز این بود که همین امر به معروف ناظر به مردم، محدود به مواردی نظیر حجاب و پوشش می‌شود و به این ترتیب موضوعات اساسی که درواقع معنابخش فلسفه امر به معروف هستند به حاشیه خواهند رفت. هرچند در قانون پیاده‌شده بر روی کاغذ نه امکان امر به معروف حاکمان توسط مردم سلب شده بود و نه منعی برای امر به معروف در مسائلی جز حجاب وجود داشت اما در عمل آنچه رخ داد، عین به عین مطابق پیش‌بینی‌ها بود. یعنی در این مدت نه شاهد موارد خاصی از امر به معروف حاکمان توسط مردم بودیم و نه امر به معروف در موضوعاتی جز حجاب و پوشش. علاوه‌براین در چارچوب همین قانون، مسئله امر به معروف تبدیل به امتیاز اختصاصی و انحصاری یک عده خاص شد. در امور اقتصادی و مالی هر نوع انحصاری مقدمه فساد است، اما این قاعده کلی برای امور اجتماعی و سیاسی هم صدق می‌کند. هر نوع انحصار یا امتیاز ویژه قانونی حتماً می‌تواند منجر به وقوع درصدی از فساد شود. انحصارات و امتیازهای ویژه برای قشری که اصطلاحاً خود را آمر به معروف می‌دانند، نمونه‌ها و مصادیق بسیاری دارد؛ ازجمله می‌توان به آزادی عمل این افراد برای انتشار فیلم و تصاویر شهروندان اشاره کرد که طبق ماده ۲۴۵ قانون مجازات اسلامی جرم است. آیا تاکنون موردی را می‌شود نام برد که با فردی که به بهانه امر به معروف تصاویر و فیلم‌های دیگران را منتشر کرده، برخورد شده باشد؟

پیش‌بینی اینکه چنین امتیازاتی به نفع یک گروه، تبدیل به مأمی برای برخی توسعه‌حساب‌های شخصی و امتیازگیری‌های خاص شوند اصلاً سخت نیست.

ادامه در صفحه ۳



رهبر انقلاب اسلامی در دیدار دست‌اندرکاران و کارگزاران حج

## حج، میقاتی بین المللی و میعادی جهانی با منافع متعدد دنیوی و اخروی

♦ باید به حج نگاه فراسرزمینی داشت

♦ مردم و مسئولان شناخت اهداف، روش‌ها، سیاست‌ها و نقاط قوت و ضعف دشمن را جدی بگیرند

## محرمانه‌بودن پرونده به ضرر موکل من تمام شد

**پرونده مهدی کوشکی روی پرونده حبیب‌رضایی سایه انداخت**

۱۰

بررسی عملکرد کمیسیون ۵ده شهر تهران در ۶ماه نخست ۱۴۰۱

## «تراکم‌بخشی» در تهران

همه چیز قهرمانی نیست؛ جدال برای کفش و دستکش طلا

## دلیل افزایش حساسیت‌ها بر بازی پرسپولیس چیست؟

۹



گفت‌وگو با غلامرضا نوری قزلبچه، نماینده مجلس

## با اصلاح قانون انتخابات «صیانت» دیگری در راه است

۲

### یادداشت

## موزه؛ نهاد روشنگر در آینده بشر



**سیداحمد محیط طباطبائی**

در اجلاس شورای عالی موزه‌ها در پراگ که سال گذشته برگزار شد، مصوبات متعددی را شاهد بودیم؛ اما در میان تمام تصمیمات اخذشده در این اجلاس، تعریف جدید موزه از اهمیت بسزایی برخوردار بود؛ زیرا تعریف موزه‌ها براساس تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دستخوش تحول و دگرگونی می‌شود و امروزه به‌ویژه با تحولات سریعی که جامعه بشری در چهار دهه اخیر داشته است، شاهد تعریف جدیدی از موزه هستیم. آخرین تعریف موزه متعلق به سال ۲۰۰۷ میلادی است که در وین صورت گرفت. طبق این تعریف، موزه‌ها مؤسساتی غیرانتفاعی هستند که بخشی از میراث فرهنگی، طبیعی، تاریخی و هنری بشر را مورد محافظت قرار داده، می‌شناسند و معرفی می‌کنند. موزه‌ها به صورت نهادهای آموزشی و پژوهشی هستند که درعین‌حال دارای ویژگی‌های مفرح نیز هستند و ارتباط آنها باید به صورت آزاد صورت گیرد که همه این مفاهیم در تعریف قبلی موزه هم قرار داشت؛ اما تحولات مختلفی که در طول زمان شاهد بودیم، باعث شد تعریف موزه به صورت ذیل درآید. این تعریف برای اولین بار در ۵۰ سال گذشته به طور درخور توجهی تغییرات اجتماعی را در خود جای داده و نمایندگان بیش از ۵۰۰ موزه در سراسر جهان به این تغییر رای مثبت دادند و مشارکت بالایی در تهیه این تعریف صورت گرفت؛ مفاهیمی مانند دسترسی، فراگیربودن و پایداری در این تعریف گنجانده شده است. موزه یک مؤسسه غیرانتفاعی و دائمی در خدمت جامعه است که به تحقیق، جمع‌آوری، نگهداری، تفسیر و نمایش میراث ملموس و ناملموس می‌پردازد.

ادامه در صفحه ۱۱

### انالله واناالیه راجعون

باکمال تأسف و تأثر رحلت مادر عزیزمان

**فقیده سعیده حاجیه خانم فاطمه صادقی تهرانی**

را به اطلاع همه دوستان و آشنایان می‌رسانیم.

مجلس بزرگداشت آن مرحومه

**روز جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۲ ساعت ۱۱ الی ۱۲:۳۰**

در مسجد الغدیر واقع در خیابان میرداماد برقرار خواهد بود.

**حضور همه سروران مایه شادی و ترویج روح آن عزیز سفرکرده و**

**موجب تسلای خاطر بازماندگان خواهد بود.**

**عباس گفاش تهرانی**

**خانواده‌های: گفاش تهرانی، صادقی تهرانی، تهرانی صادقی**

### یادداشت

## توهم اخذمالیات از خانه‌های خالی



**ترانه یلدا**

**معمار و شهرساز**

ماجرای اخذ مالیات از خانه‌های خالی چیست؟ آیا این طرح قانونی ارقام بالایی را به خزانه دولت هدایت خواهد کرد؟ آیا واحدهای مسکونی خالی در شهرهای بالای صد هزار نفر که در مجموع بیش از ۱۲۰ روز در سال ساکن یا کاربر نداشته باشند، اصلاً قابل شناسایی هستند؟ آیا اگر خانه‌ای در سامانه ملی املاک و اسکان ثبت نشده باشد، این امر به معنی خالی‌بودن خانه است؟ تکلیف خانه‌های خالی واقع در شهرهای جدید مانند پردیس و پردچ چه می‌شود؟ به نظر می‌رسد این قانون از طرفی همه چیز را پیچیده‌تر کرده است و از طرفی اصلاً از ابتدا موضوعیتی نداشته و به نوعی آدرس غلط دادن محسوب می‌شود.

چندی پیش مهدی موحدی رئیس مرکز آموزش، پژوهش و برنامه‌ریزی مالیاتی کشور، در گفت‌وگو با ایسنا درباره اخذ مالیات از خانه‌های خالی توضیح داد: «طبق ماده ۵۴ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم شناسایی این خانه‌ها منوط به اطلاعاتی است که توسط مالکان یا مسئولان سامانه ملی املاک و اسکان کشور ثبت شده است. چنانچه تغییری در قانون مذکور رخ دهد، سازمان امور مالیاتی می‌تواند از اطلاعات سایر دستگاه‌ها و نهادها ازجمله شهرداری استفاده کرده و مالیات را وصول کند. در غیر این صورت تا زمانی که قانون تغییر پیدا نکرده است، تفاوتی در فرایند شناسایی خانه‌های خالی رخ نخواهد داد، زیرا قانون سازمان امور مالیاتی را به خوداظهاری صورت‌گرفته در سامانه ملی املاک و اسکان محدود کرده است». ظاهراً چالش اصلی شناسایی این خانه‌های خالی بود. از ابتدا قانون وظیفه شناسایی خانه‌های خالی را بر عهده وزارت راه و شهرسازی گذاشته بود و بدین منظور، سامانه املاک و اسکان در مردادماه سال ۱۳۹۹ آغاز به کار و مردم را ملزم کرد که اطلاعات سکونت خود را در این سامانه اعلام کنند. فرایندی که اصلاً موفق نبود، چراکه با مالکان از خوداظهاری امتناع کردند یا اینکه برخی خانه‌ها به اشتباه خالی شناسایی شدند و درنهایت درآمد چشمگیری از این محل نصیب دولت نشد. به قولی فقط حدود یک میلیارد و ۵۳۵ میلیون تومان و از قول استاندار تهران خطاب به مسئولان مالیاتی حدود چهار میلیارد تومان. ایشان در اشاره به مالیات تحقق‌یافته خانه‌های خالی گفته بودند: ما فقط ۴۰۰ میلیارد خرج کردیم آدم‌ها را فرستادیم برای بررسی میدانی!

ادامه در صفحه ۴